

دیکسون، بلیک و بودلر

جهان اساطیری است که بلیک از آغاز تا پایان زندگی هنری اش، آفریده و گسترش داده، در توضیح نمادشناسی این جهان اساطیری گفت: نمادشناسی این جهان اساطیری که ویژه خود اوست و در بیرون از آثارش نظیری ندارد، برپایه و الگو گرفته از کتاب مقدس یعنی تورات و انجیل و متون اساطیری یونان باستان و دانش او از سنتهای علمی، سیاسی، فلسفی، کیهان‌شناسی، الهیات و عرفان یهودی - مسیحی ساخته و پرداخته شده است. واکنش بلیک به این آموخته‌ها، واکنشی انتقادی است. انتقادی که گزینش عناصر تشکیل دهنده آن از سرشت آرمانگرایانه او نسبت به جایگاه انسان در جهان و زیست جهان مایه می‌گیرد.

دکتر رهنما در پایان این بخش از سخنرانی خود به قرائت شعری از ویلیام بلیک پرداخت و پس از خواندن متن اصلی شعر، ترجمه آن را برای حضار قرائت کرد. پس از آن محمدرضا پارسایار ضمن توضیح مختصری درباره زندگی‌نامه شارل بودلر، به ترجمه‌هایی که از آثار او به زبان فارسی صورت گرفته، اشاره کرد و افزود: زبان بودلر، زبانی رساست و اصالت و بدعت آثار او به مسائلی از قبیل: تازگی تصاویر، واقع‌گرایی زنده، کاربرد منظم وزن و آهنگ و نثر شاعرانه در آثار کوچک مثنوی، مرتبط است. هرچند اشعار بودلر واجد درونمایه‌های رمانتیکی و رئالیستی است، اما او را از پیشگامان سمبولیسم و رئالیسم به حساب می‌آورند.

وی با اشاره به این مطلب که در ترجمه عنوان کتاب دچار مشکل شدیم، افزود: واژه 'Mal' در فرانسه از یک سو به معنای شر و

با توجه به اینکه ترجمه شعر انتقال صمیمانه‌ترین احساسات از زبانی به زبان دیگر است و از آنجا که در دوران معاصر بحث ترجمه‌پذیری یا ترجمه‌ناپذیری بودن شعر به شدت مورد توجه قرار گرفته، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ۲۵ تیرماه اقدام به برگزاری نشست نقد و بررسی کتابهای **جزیره‌ای در ماه**، **گزیده اشعار ویلیام بلیک** با ترجمه دکتر هوشنگ رهنما، **گل‌های رنج** اثر شارل بودلر برگردان محمدرضا پارسایار و **گزیده اشعار امیلی دیکسون** با ترجمه سعید سعیدپور کرد. در این نشست که ساعت ۱۷ در سالن اجتماعات خانه کتاب برگزار شد، علاوه بر دکتر هوشنگ رهنما و محمدرضا پارسایار مترجمان مجموعه‌های **جزیره‌ای در ماه** و **گل‌های رنج**، صاحب‌نظران، استادان و مترجمان بسیاری حضور داشتند.

در ابتدای نشست دکتر رهنما مختصری در باب زندگی‌نامه ویلیام بلیک برای حضار سخنرانی کرد و پس از آن در تبیین دیدگاه بلیک اظهار داشت: از دیدگاه بلیک همه چیز هنر است و هنر همه چیز است. حتی کائنات یک اثر عظیم هنری محسوب می‌شود که آفریده هنرمندی ازلی است. نیروی آفریننده، تخیل انسانی است و تخیل صرف نظر از بخش‌بندیهای گوناگون در هنر، که زائیده حواس پنجگانه ماست، همواره کارکردی یکسان دارد، زیرا از اصول سامان‌دهنده واحدی پیروی می‌کند. او هنر را خط کشیدن پرشور و مهار شده می‌داند. بنابراین از دیدگاه او شعر خط کشیدن روی واژه‌هاست.

دکتر رهنما با اشاره به این مطلب که آثار بلیک بازتاب روایی



شیمای زارعی

یا ترجمه‌ناپذیری شعر با تئوری صورت‌گرایان مبنی بر اینکه اثر ادبی حادثه‌ای است که در یک زبان خاص اتفاق می‌افتد، مطرح شد. در باب ترجمه ادبی گفت: ترجمه ادبی صورت دیگری از یک اثر ادبی در زبان دیگر است. که بیشترین شباهت ممکن را با اصل اثر دارد، هرچند که گاه این شباهت چندان زیاد نیست. با خواندن هر شعر، فکر و حسی در ذهن خواننده نقش می‌بندد که مترجم موظف است این حس را مجدداً در زبان دوم خلق کند. مترجم الزاماً نباید شاعر باشد، چون تخیل و اندیشه را شاعر در زبان مبدأ آفریده و وظیفه مترجم تنها بازسازی آن اندیشه و تخیل در زبان مقصد است.

دکتر هرمز میلانیان ضمن تقدیر از دکتر هوشنگ رهنما، محمدرضا پارسایار و نیز سعید سعیدپور به خاطر ترجمه گزیده اشعار امیلی دیکسون، در باب دشواریهای آثار دیکسون اظهار داشت: ترجمه آثار امیلی دیکسون دشواریهای خاص خود را دارد. او شاعری خودجوش است که تسلط چندانی بر عروض، قافیه و وزن انگلیسی ندارد و بندشکنیهای عروضی او آگاهانه صورت نگرفته است. دیکسون در آثارش از ایجازهای نامنتظر، نقطه‌گذاریهای بسیار نامتعارفی استفاده می‌کند و خطهای تیره بسیاری به کار می‌برد که روابط نحوی جملات را به شدت مبهم می‌نماید. از اینکه بگذریم نباید تصور کرد که اشعار دیکسون فی‌نفسه مشکل است، اشعار زیبا و گاه ساده‌ای در میان بر ساخته‌های شاعرانه او کم نیستند.

در پایان این نشست دکتر هرمز میلانیان از این سه مجموعه، اشعاری را انتخاب کرد و برای حضار قرائت نمود.

بدی است و از سوی دیگر معنای درد و رنج می‌دهد، اما من در فارسی واژه‌ای نیافتم که هر دو معنی را پوشش دهد و دلیل اینکه واژه رنج را به بدی ترجیح دادم، این است که بودلر به کرات در اشعار خود از رنج و درد سخن می‌گوید. علاوه بر این به اعتقاد من، رنج شاعر است که به گل نشستته و ثمر داده است و بدی هرگز نمی‌تواند ثمره‌ای داشته باشد.

آنگاه بحثی درباره ترجمه‌پذیر بودن یا ترجمه‌ناپذیر بودن شعر درگرفت که محمدرضا پارسایار در این باره اظهار داشت: به اعتقاد من هیچ الزامی وجود ندارد که یک شعر حتماً به شعر ترجمه شود، بلکه می‌توان آن را به نثر برگرداند و یا اینکه وزن و آهنگ مبهمی در آن جاری کرد. ترجمه شعر مثل پژواک است. همانطور که پژواک به روشنی صدا نیست، ترجمه شعر هم نمایانگر ظرافتها و ریزه‌کاریهای اصل شعر نیست. دکتر رهنما درباره این مسئله گفت: ازرا پاوند معتقد است که در ترجمه آثار ادبی بازآفرینی انرژی عاطفی، امری ضروری است، بنابراین، برای اینکه مترجم بتواند این انرژی عاطفی را از زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل کند، باید در حوزه زبانی خود تجربه لازم را کسب نماید. از این جهت، به نظر می‌رسد بهتر است مترجمی که شعری را ترجمه می‌کند، خود شاعر باشد. زبان مبدأ و مقصد دو دایره هستند که یا با هم مماس اند و یا متداخل، این دوایر هرگز نمی‌توانند منطبق بر هم باشند. چون دوایر منطبق، اثر بیرونی را تبدیل به اثر بومی می‌کنند و آن خصیصه بدیع بودن اثر، با بومی شدن از میان می‌رود.

دکتر عباس پژمان با اشاره به این مطلب که بحث ترجمه‌پذیری